



۲۰۱۷/۱۱/۲۷

ملک الشعرای محمد نسیم اسپر

جنگ بر سر قدرت !

یادداشت نویسنده: من این نوشته کوتاه و این سروده را در سال ۲۰۱۴ میلادی رقم زده بودم زیرا در آن وقت اختلافات شدید و زد و کند های جدی بین طرفداران دو کاندید ریاست جمهوری در کابل به سرحد جنگ های لفظی و تن به تن تا سرحد استعمال آلات و افزار جارحه و مجروح شدن تعدادی از افراد جانبین در محوطه کمیسیون انتخابات، رسیده بود. و امروز که باز جنگ بر سر قدرت تا سرحد بغاوت بین رئیس جمهور و معاونینش و اعضای برجسته بر حال در حکومت او آغاز شده درک کردم که فرصت آن رسیده تا این سروده باز در معرض مطالعه هموطنانم قرار گیرد. فلذا آنرا به وبسایت ملی و دوست داشتنی «آریانا افغانستان آنلاین» می فرستم که با لطف همیشگی به نشرش سپارند. ما خارج نشینان که در ابتداء تعهد ظاهری هر دو گروه را با خوش بینی استقبال کردیم، اینک با روبرو شدن با چنین اعمال نا شایسته، عمیقاً نا امید و مأیوس می شویم و راه گریزی هم نداریم جز اینکه به طریقی صدای خود را با شکایت بلند کنیم:

گفتند کار ها شده، گفتم نمی شود	پایان ماجرا شده، گفتم نمی شود
گفتند باز گربه زاهد، به راستی	یک باره پارسا شده ، گفتم نمی شود
گفتند خوب و بد که بهم خورده بود، باز	موزون و جا بجا شده ، گفتم نمی شود
گفتند جنگ قوم به وحدت کشیده است	حق همه ادا شده ، گفتم نمی شود
گفتند راه صلح و صفا باز کرده اند	این جاده با صفا شده ، گفتم نمی شود
گفتند عهد و قول و قسم، بین دوستان	بی روی و بی ریا شده، گفتم نمی شود
گفتند دامن جدل و جنگ چیده شد	کاری به مدعا شده، گفتم نمی شود
گفتند رسم دوستی از سر گرفته شد	درد همه دوا شده، گفتم نمی شود

به اهتمام ولی احمد نوری

گفتند رشوه خوار کشد دست از فساد این جمع با حیا شده، گفتم نمی شود
گفتند "طالبان" دگر از جنگ بگذرند ترسنده از خدا(ج) شده، گفتم نمی شود
گفتند مردمی که (اسیر) عناد بود
از این بلا رها شده، گفتم نمی شود
گفتم نمی شود، زچه اصرار میکنی؟؟
این کار بارها شده، گفتم نمی شود

م. نسیم (اسیر) ۲۰ آگست ۲۰۱۴ م،
فرانکفورت

